

تحلیل هستی‌شناختی انواع قیامت و رابطه مرگ با آنها

نزد سیدحیدر آملی

فاطمه کوکرم^۱، عبدالله صلواتی^۲، عین‌الله خادمی^۳

چکیده

قیامت در زبان رایج و بعقیده همگانی، صرفاً ناظر به قیامت آفاقی است که جزئیات آن در ادیان الهی بیان شده است. اما عارفانی همانند سیدحیدر آملی با تفسیر انفسی از قیامت، گونه‌های متنوعی از قیامت را ترسیم و تبیین کرده‌اند؛ قیامتهایی که بیشینه آنها با مرگ ارادی در ارتباط است. پرسش اصلی نوشتار حاضر اینست که از منظر سیدحیدر آملی، مرگ و انواع قیامت چه ارتباطی دارند؟ یافته‌های این پژوهش عبارتند از: (۱) سیدحیدر قیامت را به قیامت آفاقی و انفسی تقسیم میکند و هرکدام از آنها را دارای دو قسم صوری و معنوی میداند و هر یک از اقسام صوری و معنوی را به صغری، وسطی و کبری تقسیم کرده است؛ به این ترتیب، او از دوازده قسم قیامت نام میبرد. به بیان دیگر، قیامت انواع گوناگونی دارد که بیشینه آنها با مرگ ارادی در ارتباط است و آدمی باید به مرگ ارادی بپردازد تا بتواند قیامتهای گوناگون را شهود کند. (۲) مرگی که آملی از آن سخن گفته است موجب

۱۴۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

fkookaram@gmail.com

۲. دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران؛ a.salavati@sru.ac.ir

۳. استاد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران؛ e_khademi@sru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۲ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.11.4.7.6

امتداد انسان میشود، او را از انحصار زندگی این جهانی بیرون آورده و گسترده‌تر میکند و آفاق را بروی وی می‌گشاید و به حیاتش، خودش و نگاهش، وسعت میبخشد؛ انسانی که بدنبال مرگ ارادی نیست و حیات این جهانی دارد، بتعبیری انسانی کوتاه‌قامت است.

کلیدواژگان: قیامت، اقسام قیامت، تحلیل هستی‌شناختی، مرگ ارادی، سیدحیدر آملی.

* * *

۱. طرح مسئله

موضوع قیامت یکی از موضوعات بسیار پیچیده و مهمی است که عرفا با تأثیرپذیری از آیات و روایات به آن پرداخته‌اند.

نگارندگان این پژوهش به بررسی این پرسشها میپردازند: ماهیت قیامت از نظر سیدحیدر آملی چیست؟ قیامت نزد او چه اقسامی دارد؟ سیدحیدر اقسام قیامت را چگونه تحلیل میکند؟

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش یاد شده در آنست که این تحقیق قصد دارد وجه تمایز تحلیل هستی‌شناختی بر پایه قیامت را ارائه دهد. لازم به ذکر است پژوهشهایی درباره مرگ ارادی انجام شده، اما تاکنون تحلیل هستی‌شناختی‌بی صورت نگرفته است و تفاوت جوهری این پژوهش با پژوهشهای دیگر اینست که در تحقیق پیشرو مرگ ارادی بصورت هستی‌شناختی مطرح شده است که اضلاع آن عبارتند از: قیامت، قیامت و انحاء آن، قیامت و گونه‌های آن، مرگ ارادی و گونه‌های آن و رابطه گونه‌های مرگ ارادی با گونه‌های قیامت.

۱۴۴

۲. مرگ ارادی و قیامت

نگارندگان این پژوهش درصددند بدانند که منظور از گونه‌های قیامت چیست؟



گونه‌های مرگ ارادی چیست؟ رابطه‌ گونه‌های مرگ ارادی با گونه‌های قیامت چیست؟ قیامت نزد اهل شریعت و اهل طریقت و حقیقت چگونه است؟ برای تحلیل هستی‌شناختی مرگ ارادی، نخست باید از رابطه مرگ ارادی و قیامت سخن گفت. بهمین دلیل در این بخش، ابتدا به قیامت و انحاء آن و سپس به مرگ ارادی و چگونگی آن پرداخته میشود.

۳. قیامت و انحاء آن

مرگ اختیاری درک نمیشود، مگر اینکه آن را در مجموعه‌یی از باورهای سیدحیدر آملی بفهمیم. یکی از باورها که مؤلفه‌یی مهم است، قیامت است. در نظر متصوفه، قیامت دو گونه است: قیامت صوری و قیامت معنوی. هر کدام از این دو قسم نیز نزد اهل طریقت و حقیقت دارای اقسام سه‌گانه هستند که با عناوین صغری، وسطی و کبری از هم جدا میشوند. هر یک از این دو گروه فهمی ویژه از اقسام قیامت دارند و بیش از دوازده قیامت را بر می‌شمارند.

۳-۱. تعریف قیامت

قیامت در اصطلاح عبارتست از اینکه عالم و آنچه در آن وجود دارد، به محل صدور خود بازگردد (آملی، ۱۳۸۲: ۳۱۵؛ همو، ۱۴۲۲: ۱۲۹). در مرگ ارادی قیامتی شبیه به قیامتی که همه موجودات عالم در آن به خداوند بازگشت میکنند، شکل میگیرد. چون در این مرگ نیز با تلاش سالک و حرکت در عقول تا رسیدن به عقل اول مواجهیم و این یک حرکت صعودی و بسوی پیشرفت و ۱۴۵ تعالی است، اصطلاح قیامت بر مرگ ارادی نیز قابل اطلاق است.

علاوه بر عرفا، برخی فیلسوفان نیز در آثار خود به موضوع قیامت پرداخته‌اند، بعنوان مثال، ملاصدرا از قیامت به «ساعة» تعبیر میکند. ساعة مشتق سعی است و مقصود حرکت مکانی نیست، بلکه منظور آنست که نفوس با حرکت جوهری ذاتی و



توجه فطری بسوی خدا میروند. بنابراین، هر کس که به مرگ طبیعی دچار میشود، به ساعت خود، یعنی ساعت قیامت صغرای میرسد (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۳۷۶).

۳-۲. گونه‌شناسی قیامت

هر یک از گونه‌های معاد در نظر اهل طریقت و حقیقت دارای اقسامی سه‌گانه هستند و با عناوین صغری، وسطی و کبری از یکدیگر جدا میشوند.

قیامت آفاقی و انفسی

سیدحیدر آملی هم‌نظر با عارفان مسلمان، بر اساس دوگانه‌ی نفس و عالم، دو گونه قیامت انفسی و آفاقی مطرح کرده‌اند که هریک از آنها دارای دو قسم معنوی و صوری است (آملی، ۱۳۸۲: ۳۱۵). افزون بر آن، عرفا معتقدند قیامت و ساعت به تعداد حضرات خمس، پنج قسم یا نوع دارد. با توجه به اینکه با وقوع قیامت تحولی بزرگ در جهان رخ میدهد، آنها این اصطلاح را به حوادث مشابهی که چنین تحولی در آن قابل مشاهده است، تعمیم داده‌اند. بهمین دلیل از پنج نوع قیامت نام برده‌اند: (۱) قیامت لحظه بلحظه؛ (۲) قیامت صغرای آفاقی؛ (۳) قیامت صغرای انفسی؛ (۴) قیامت کبری آفاقی؛ (۵) قیامت کبری انفسی^۱ (قیصری، ۱۳۶۳: ۴۱؛ آشتیانی، ۱۳۸۰: ۷۷۰).

۴. گونه‌های قیامت ناظر به طریقه‌های عرفانی

۴-۱. قیامت در شریعت

آنچه در شریعت آمده قیامت آفاقی است. متکلمان درباره این نوع از قیامت بتفصیل سخن گفته‌اند. سیدحیدر آملی نیز در روایت کلامی خود از قیامت، به این قسم از قیامت اشاره کرده است. بعقیده او، نزد اهل شریعت، قیامت بمعنای اجتماع اجزاء بدن مرده و تألیف آن بمثل گذشته و بازگشت روح به

۱۴۶



آن است که از آن به حشر اجساد یاد میشود. این مسئله امری ممکن بوده و خداوند بر آن قادر و به آن عالم است؛ جسم نیز قابل تألیف است (آملی، ۱۴۲۲: ۳/ ۲۸۸؛ همو، ۱۳۸۲: ۳۱۶). سیدحیدر معتقد است نفس انسان جوهر بسیط اول است و اجزاء بدن پس از تبدیل شدن، دوباره با هم اتصال پیدا میکنند (همو، ۱۳۸۲: ۳۱۸). بنابراین، خداوند در قیامت اجزاء بدن را بار دیگر گردآوری و موجودات را دور هم جمع میکند.

کلمه فنا در آیه «کل من علیها فان؛ هرچه بر روی زمین است دستخوش فنا است» (الرحمن/ ۲۶)، اشاره به این معنای ذات دارد. از جمله گفته‌اند که انسان جوهر است، اما اتصاف به جوهریت از آن بدن نیست، وگرنه (مثلاً) انسان به علم متصف نمیشد، در حالیکه ضرورت به آن متصف شده است. پس جوهر انسان نه بدن بلکه آن چیزی است که در شرع اسلام روح نامیده میشود و بدن و جوارح در خدمت آن برای انجام افعالند (همانجا؛ همو، ۱۴۲۲: ۱۲۸). روح مایه بقای شخصیت و وحدت انسان است و خداوند بر اساس آن بدن را گرد می‌آورد. با وجود این، مردم دارای اعتقاداتی گوناگون هستند تا آنجا که دهریه روح را انکار کرده و معتقدند انسان با مرگ خود از بین میرود و بازگشت و عقلی نخواهد داشت.

۴ - ۲. قیامت در طریقت

سیدحیدر آملی بر اساس علم الاسماء عرفانی به تحلیل قیامت نزد اهل طریقت می‌پردازد. در این تحلیل، اسماء مقتضی آخرت، آشکار شده و غلبه می‌یابند و اسماء مقتضی دنیا، پنهان و مغلوب میگردند. بیان دیگر، در اینگونه از قیامت، بازگشت مظاهر برخی اسماء به مظاهر دیگر اسماء مطرح است؛ همانگونه که در قرآن کریم آمده است: «یوم نحشر المتقین إلی الرحمن وفداً» (مریم/ ۸۵). سیدحیدر معتقد است آخرت از اقتضای اسمائی چون قهار، واحد،

۱۴۷



احد، فرد، معید، ماحی و ممیت است و دنیا از اقتضای اسمائی همچون ظاهر، مبدأ، اول و موجد. او معاد حقیقی را رجوع مظهر به ظاهر - خداوندی که در مظاهر آشکار گشته است - و بازگشت محاط به محیط میداند (همو، ۱۴۲۲: ۳/ ۲۹۶-۲۹۱؛ همو، ۱۳۸۲: ۳۱۹).

این اسماء در حقیقت و ذات متحدند، اما در حکم، اثر و اقتضا با یکدیگر تفاوت دارند. زمانی که یکی از آن اسماء غلبه کند، حکم و اثر آن بوقوع میپیوندد. قرآن کریم هنگام یاد کردن از امر و عروج بر این باور دلالت میکند. منظور از امر، ظهور و بروز و مقصود از عروج، بطون و بازگشت است و حقیقت معاد چیزی جز بازگشت مظهر به ظاهر یا محاط به محیط نیست. نزد اهل طریقت، رجوع نهایی ندارد، زیرا مظاهر را پایانی نیست و بازگشت آنها جزئی است (همو، ۱۴۲۲: ۱۲۹). قرآن کریم میفرماید: «کل یوم هو فی شأن؛ و او در همه روزه در کاری است» (الرحمن / ۲۹).

آملی خود را ملزم به تفصیل مراتب قیامتها و اقسام آن کرده و برای هر قسم از آنها معنایی خاص بیان میکند. او در دو اثر خود بتفصیل درباره انواع قیامت سخن گفته است؛ یکی کتاب اسرار الشریعة که که کمتر به آن پرداخته شده است و دیگری المحيط الاعظم.

سیدحیدر برای عالم کبیر قائل به قیامت معنوی است، زیرا هر موجود، عقلی دارد که در سرنوشتش عقلانیت میورزد و میتوان آن را الهام، فطرت یا وحی نامید. اگر این امر در انفس اثبات شود، مثل آن در آفاق نیز بمقتضای مطابقت میان آن دو و تأویل، اثبات میشود (همو، ۱۳۸۲: ۳۲۴). همانگونه که انسان صغیر مرگ و زندگی دوباره دارد، انسان کبیر نیز چنین است؛ مرگ ویرانی او و زندگی سازندگی جدید اوست. اما قیامت او، زندگی وی پس از ویرانی است و برانگیختگی و بازگشتش عبارتست از حساب هر واحد از اجزاء و ارکانش به اندازه او (همان: ۱۱۳؛ همو، ۱۴۲۲: ۱۲۳). بعقیده آملی همانگونه که عالم صغیر (انسان) میمیرد و

بار دیگر در قیامت به اذن خدا زنده میشود، عالم کبیر نیز که از عقل اول تا عالم ماده را شامل میشود، در قیامت حیات دوباره می‌یابد.

۴-۲-۱. قیامت صغری معنوی در طریقت

از نظر سیدحیدر آملی هرگاه بدنبال مرگ ارادی، بیداری و قیامی دست دهد، از آن به قیامت صغری معنوی یاد میشود (همو، ۱۳۸۲: ۳۳۱). بنابراین، اینگونه از قیامت با مرگ ارادی ارتباط دارد؛ مرگ ارادی عبارتست از ریشه‌کن شدن هوای نفس، زیرا عامل حیات نفسانی، هوای نفس است. نفس ناطقه انسان با تمایل به نفسانیات، کم‌کم از جایگاه اصلی خود فاصله می‌گیرد و تنزل پیدا میکند. اگر هواهای نفسانی از بین بروند، نفس ناطقه به جایگاه ذاتی خود دست می‌یابد و در واقع قیامت آن شکل می‌گیرد؛ چنانکه پیامبر (ص) فرموده است: «موتوا قبل أن تموتوا»؛ قبل از آنکه با مرگ طبیعی به بیداری و آگاهی برسید و قیامتتان برپا شود، با اراده و اختیار بمیرید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۷۲). مقصود از این مرگ که بدنبال آن قیامت برپا میشود، مرگ طبیعی نیست، زیرا بدنبال مرگ طبیعی عالم یا عوالم پیش از قیامت است نه خود قیامت. ظاهراً بهمین دلیل است که آملی برای اهل شریعت، قیامت و اقسام قیامت را نیآورده است. بر این اساس، مرگی که بدنبال آن قیامت برپا میشود، مرگ ارادی و اختیاری است.

۴-۲-۲. قیامت وسطی معنوی در طریقت

قیامت وسطی معنوی نزد اهل طریقت، به حوزه اخلاق مرتبط است. سیدحیدر آملی معتقد است با ریشه‌کن ساختن اخلاق ناپسند، ملکات و اوصاف ناخوشایند و زنده شدن به اخلاق ستوده و شایسته و ملکات فاضله، قیامتی ظهور پیدا میکند که در طریقت از آن به قیامت وسطی معنوی یاد شده است. در این

قیامت، آدمی به صفات کمالی آراسته میشود که هدف اساسی بعثت پیامبران است (همو، ۱۴۲۲: ۳/۳۱۲؛ همو، ۱۳۸۲: ۳۳۸). تخلق به اخلاق الهی و متصف شدن به اسماء و صفات الهی، موجب رسیدن به لقای الهی و سعادت ابدی میشود. رسیدن مؤمن به حق تعالی جز از طریق قلب متصف و متخلق به اخلاق الهی، ممکن نیست؛ بر همین اساس سیدحیدر گفته است: «قلب المؤمن عرش الله» (همو، ۱۳۶۸: ۱۱۶). بهشت حاصل از این قیامت، بهشتی روحانی و ویژه بندگان وارث است که قرآن کریم به آن اشاره کرده است.

بنابراین، انسان با رهایی از بند رذائل اخلاقی و اتصاف به اوصاف نیکو، مستعد اتصاف به صفات ربانی و اخلاق الهی شده و با اعمال شرعی و وظایف دینی، پیش از ورود به بهشت صوری، به بهشت معنوی و بهشت وارثون راه پیدا میکند. البته با در نظر گرفتن بهشت نفسانی در این مقام، انسان از دو بهشت بهره‌مند میشود؛ همانطور که خداوند فرموده است: «و لمن خاف مقام ربه جنتان» (رحمن/ ۴۶) (همو، ۱۳۸۲: ۳۴۲؛ همو، ۱۴۲۲: ۳/۳۱۶-۳۱۵ و ۳۲۵).

۴ - ۲ - ۳. قیامت کبری معنوی در طریقت

بعقیده اهل طریقت پس از آنکه سالک، خود و صفاتش، در حق تعالی فانی شد و به بقای او جاودان گشت، قیامتی با نام قیامت کبری معنوی رخ میدهد. آملی این قیامت را در ارتباط با تعبیر عرفانی رایج یعنی قرب نوافل، تفسیر و تحلیل میکند. بنا بر قرب نوافل، انسان به درجه‌یی از کمال میرسد که خداوند گوش، چشم، زبان، دست و پای او میشود و با آنها میشوند، میبیند و حرف میزند، با دست بر میدارد و راه میرود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰/۲۲). چنین قربی محصول فنای در توحید است در پرتو این قرب نوافل بهشتی تحقق می‌یابد که از آن به بهشت شهود یاد میشود. از دیدگاه آملی این بهشت از بهشت وارثون و بهشت نفس، منزلتی بالاتر دارد (آملی، ۱۳۸۲: ۳۵۵؛ همو، ۱۴۲۲: ۳/۳۲۵-۳۲۴).

۱۵۰



۳-۴. قیامت در حقیقت

در این مرحله به تبیین اقسام قیامت و هر یک از شاخه‌های آن نزد اهل حقیقت پرداخته میشود.

۳-۴-۱. قیامت صغری معنوی در حقیقت

این قیامت همان فنای در توحید فعلی و مشاهده فاعل حقیقی یگانه در همه افعال است و بهشت مرتبط با آن، بهشت اعمال است که در آن بهره‌مندی از لذایذ جسمانی مطرح است (همو، ۱۴۲۲: ۳۳۱/۳ - ۳۲۹، همو، ۱۳۸۲: ۳۶۰). کسی که حجابهای افعال از مقابل دیدگانش برطرف گشته و چشم بصیرت او گشوده شده باشد، همه افعال را منتسب به خدا و فعل او میبیند و غیر از خداوند، چیزی نمیبیند.

۳-۴-۲. قیامت وسطی معنوی در حقیقت

قیامت وسطی معنوی در حقیقت، عبارتست از فنا در توحید صفاتی و مشاهده صفت یگانه‌یی که در همه ساری و جاری است. بهشت صفات - بهشت قلب - محصول مشاهده در قیامت صغری است (همو، ۱۴۲۲: ۳ / ۳۳۲-۳۳۳؛ همو، ۱۳۸۲: ۳۶۷). کسی که حجابهای صفات از مقابل دیدگانش کنار رفته و غیر از خداوند چیزی نبیند - بگونه‌یی که در همه اعمال جز یک صفت، که همانند حیات در بدن، در تمام هستی نفوذ کرده است، نبیند و همه هستی را بمثابه نتیجه ظهور و سریان آن صفت مشاهده کند - به توحید صفات نایل شده است.

۱۵۱

از آنجا که افعال، حجاب صفات، و صفات، حجاب ذات است، تا وقتی انسان به توحید افعالی و صفاتی نرسد و از آن عبور نکند، به توحید ذاتی نمیرسد. بهمین دلیل، شرط توحید افعالی آنست که حجاب افعال برطرف شود و همه افعال را فعل فاعل واحد ببیند؛ شرط توحید صفاتی آنست که حجاب صفات



برطرف گردد و همه صفات را ظهور صفت یگانه‌یی ببیند و شرط توحید ذاتی آنست که حجاب ذات که همان صفات است، از میان برداشته شود. این دلیلی آشکار بر ثبات قدم انسان در توحید صفاتی است که پس از توحید فعلی، از طریق کشف و ذوق بدست می‌آید (همو، ۱۳۸۲: ۳۶۸). نتیجه مشاهده توحید صفاتی، جنت صفات و دستیابی به نعمتهایی است که عبارتست از مشاهده صفت محبوب در صورت یکایک محبان؛ خواه جسمانی باشد، خواه روحانی.

۴-۳-۳. قیامت کبری معنوی در حقیقت

قیامت کبری معنوی نزد اهل حقیقت، عبارتست از مشاهده ذات یگانه‌یی که در مظاهر اسمائی نامتناهی تجلی یافته است. در این قیامت، سالک پس از فنای عرفانی در حق - نه فنای عیانی که انهدام و نیست شدن است - همه ذاتها را باقی به ذات حق تعالی میبیند؛ همانگونه که در قرآن کریم آمده است: «کل من علیها فان* و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام» (الرحمن / ۲۶-۲۷) (همو، ۱۴۲۲: ۳ / ۳۳۹-۳۳۶؛ همو، ۱۳۸۲: ۳۷۰). در این قیامت موحد جز وجه الهی چیزی در عالم نمیبیند و تنها ذات حق را که از میان حجابهای جمالی منکشف شده است، مشاهده میکند و حجابهایی که سبب دیدن غیر از خدا میشود را کنار میگذارد و تنها ذات خدا را در تمام مظاهر میبیند.

* * *

بر اساس آنچه گفته شد، چهار قیامت با سه ویژگی شریعت، طریقت و حقیقت وجود دارد که متناظر با مقامات عرفانی طراحی میشوند. این اقسام و تناظر را میتوان در قالب جدولهای شماره ۱ و ۲ (ص ۱۶۰-۱۵۹ مقاله) نمایش داد.

۵. مرگ ارادی

مرگ ارادی بمعنای کنار گذاشتن تمایلات و خواسته‌های دنیایی و رهایی

از تعلقات و قیود مادی و همینطور از میان بردن هواهای نفسانی است.

۵ - ۱. تعریف مرگ ارادی

مرگ معنوی در اصطلاح عبارتست از سرکوبی هوای نفس. حیات نفس به هوا و تمایلات آن میل دارد و نفس بواسطه هوا به لذات و شهوات نفسانی و مقتضیات بدنی میل پیدا میکند، و هرگاه نفس به سمت سفلی یا عالم پایین تمایل یابد، قلب را که همان نفس ناطقه است، بسوی مرکز خود جذب میکند. بنابراین قلب بواسطه جهل از «حیات حقیقی علمی» که دارد، میمیرد و وقتی نفس با سرکوبی هوای خود مرد، قلب بواسطه طبع و محبت اصلی به عالم خود عزیزت میکند؛ همان عالم قدس، نور و حیات ذاتی که در اصل پذیرای مرگ نیست. قرآن کریم در آیه ۱۲۲ سوره انعام به این مرگ اشاره کرده است: «أ و من كان ميتاً فأحييناه و جعلنا له نوراً يمشى به في الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها؛ آیا کسی که بواسطه جهل مرده بود و ما او را بواسطه علم، حیات بخشیدیم و برای او نوری قرار دادیم که با آن نور به صورت عالم کامل برخوردار از حیات ابدی در میان مردم راه برود، مثل کسی است که در تیرگی جهل قرار دارد و از آن خارج نگردد، بلکه تا او موصوف به آن صفت است، خروج او از آن ناممکن است؟» (همو، ۱۳۸۲: ۳۳۷-۳۳۶). بنابراین، دستیابی به حیات معنوی مستلزم ترک تعلقات دنیوی است که تولد جدیدی را بدنبال خواهد داشت. بعقیده نویسندگان مرگ در اینجا شرط رسیدن به غایت نزد سالک بشمار میرود.

۱۵۳

سیدحیدر آملی برای اهل طریقت و اهل حقیقت از چهار نوع مرگ سخن گفته و برای هر مرگ یک قیامت نیز قائل شده است؛ چون در پس هر مرگی قیامتی وجود دارد. مقصود از مرگ و قیامت، نوعی مرگ و معاد معنوی است که در همین عالم و قبل از مرگ طبیعی و قیامت صوری رخ میدهد. او قیامت اهل طریقت و اهل حقیقت را به سه قسم تقسیم کرده: قیامت صغری، قیامت وسطی



و قیامت کبری، و سپس به تبیین هر کدام از انواع مرگ و قیامت پرداخته است (همان: ۳۱۶ - ۳۱۵).

در این پژوهش، قیامتی که به مرگ ارادی مربوط است، بررسی میشود که عبارتست از قیامت صغری معنوی نسبت به اهل طریقت.

سیدحیدر یکی از مراحل رسیدن به مرگ اختیاری را مبارزه با هوای نفس و از بین بردن آن میداند. این مرحله که در نظر او قیامت صغرای معنوی اهل طریقت است، مرحله‌یی است که سالک با توبه واقعی از گناهان دوری میکند و با زیر پا گذاشتن هوای نفس، به حیات معنوی روی می‌آورد. غلبه بر هوای نفس نحوه‌یی از مرگ ارادی است که انسان را از قیامت آفاقی به قیامت انفسی صغری معنوی اهل طریقت رهنمون میسازد. سالک به تسلط بر نفس میپردازد و از بزرگترین سد نیل به غایت حقیقی انسان، که نفس و خودپرستی است، عبور میکند و از مانع خود میگذرد. او باید در برابر تمایلات نفسانی مقاومت کند تا بتواند از قیامت آفاقی خارج شود و به مرگ ارادی بمرسد.

زمانی که رسول خدا (ص) از جنگ کفار برمبگشتند، فرمودند: «از جهاد اصغر به جهاد اکبر بازگشتیم.» از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: «جهاد اکبر چیست؟» فرمود: «جنگ با نفس، و مجاهد کسی است که با نفس خود جهاد کرده است.» از سخن حضرت میتوان چنین برداشت کرد که کسی که از هوای نفسانی خود بمرسد، به هدایت و صفات الهی زنده خواهد شد، یعنی از ظلمات و گمراهیها به هدایت، و از جهالت به معرفت زنده شده است. در صورتی که بتواند با جهاد و مبارزه بر هوای نفس غلبه پیدا کند، نفس به عالم قدس که عالم اوست، برمبگردد و از علم و نورانیت و زندگی جاوید برخوردار میشود.

سیدحیدر آملی آیه «او من کان میتاً فأحییناه و جعلنا له نوراً یمشی به فی الناس» (انعام / ۱۲۲) را متناسب با این مقام تفسیر میکند و آیه «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون» (آل عمران / ۱۶۹)

را نیز متناسب با مرگ اختیاری و حیات جاویدان مجاهدان به جهاد اکبر میداند (همان: ۳۳۷).

۵ - ۲. گونه‌شناسی مرگ ارادی

بعقیدهٔ آملی مرگ معنوی به دو دسته تقسیم میشود:

۱. موت صغیر یا مرگ ارادی - اختیاری که از طریق آن قیامت صغری رخ میدهد. این مرگ همان دل کندن از دلبستگیهای دنیوی است و خود به چهار قسم تقسیم میشود: سرخ، سفید، سبز و سیاه.

۲. موت کبیر یا فنای در حق و بقای به او و یا فنای در توحید (موسوم به قرب نوافل) که بواسطهٔ آن قیامت کبری واقع میشود. این مرگ عبارتست از بریدن از ماسوی الله (همو، ۱۴۲۲: ۳/ ۳۰۵-۳۰۴؛ همو، ۱۳۸۲: ۳۳۴)

بنابراین، انسان با مرگ اختیاری و فنای در حق میتواند در دنیا قیامت خود را قیام کند و در یک معاد معنوی، از عالم محسوسات بگذرد. در این حالت، انسان از نظر روحی و معنوی متحول خواهد شد و این تحول در تمام شئون زندگی، اعمال و رفتار او تأثیرگذار خواهد بود. بعبارت دیگر، قیام قیامت، نتیجهٔ مرگ ارادی است. وقتی قیامت انسانی ظهور میکند، به این معناست که از جهان تنگ و تاریک بیرون آمده و به جهانی گشوده‌تر و فراختر رفته است. بتعبیر هایدگر، آن جهاننداری دربارهٔ زندگی این جهانی است، ولی جهاننداری که آملی مطرح کرده است جهانی فراختر از این جهان طبیعت است؛ به تعبیر او مرگ ارادی جهان انسان را بزرگتر میکند.

۱۵۵

انسانها با مرگ ارادی بتدریج و دم‌بدم بزرگتر میشوند، قیامت پیدا میکنند و جهاندارتر میشوند. نفس انسان بتدریج مسیر تکامل را طی میکند، بهمین دلیل غالب شدن صفات رذیله و تحقق کمالات حیوانی نیز تدریجی است. جهاد با نفس که سبب زدودن صفات رذیله حیوانی میشود نیز بتدریج صورت میگیرد تا نفس



انسان از مرتبه حیوانی خارج شود و به مرتبه نفس انسانی تعالی پیدا کند. جهاد با نیروهای غضبی، شهوی و بهیمی نفس، زمینه تکامل وجودی نفس را فراهم میکند و سبب تقویت بُعد انسانی و تحقق صفات و فضایل ملکوتی در انسان میشود. این مبارزه با نفس دائمی است، چون نفس انسان تا زمانی که در دنیاست و به بدن نیاز دارد، از بکارگیری قوای جسمانی ناگزیر است. بهمین دلیل انسان بتدریج، با مراقبت از نفس، سبب باز شدن درهای حکمت و معرفت به روی خود میشود و باعث رهایی عقلش از بند خواسته‌های دنیوی میگردد؛ چرا که این قوا در ذات نفس اثر میگذارد و نوعی تحول در نفس ایجاد میکند و موجب حرکت نزولی آن میشود و نفس را از مرتبه انسانیت دور میکند و مانع دریافت حقایق عقلی میشود. بنابراین انسانها با مرگ ارادی بزرگتر و بتعبیری جهاندارتر میشوند و با توانایی‌یی که نسبت به سایر موجودات دارند، با دوری از رذائل اخلاقی، در مسیر کمال پیش میروند، بطوریکه به نهایت فضایل اخلاقی آراسته میشوند و در این حالت به فنای الهی دست می‌یابند. عبارت دیگر، نفسی که تحت انقیاد شریعت حق باشد و از ملکات رذیله دوری کند و فضایل اخلاقی را کسب نماید، به مراتبی از کمال وجودی میرسد و با نهادینه شدن اخلاق الهی در او، به جهان بزرگتری دست پیدا میکند.

۶. رابطه گونه‌های مرگ ارادی با گونه‌های قیامت

آیا همانطور که از نام مرگ ارادی ماهیت آن روشن است، میتوان اراده کرد و مرد؟ نحوه عملکرد این اراده چگونه است؟ مرگ ارادی یا اختیاری چه ارتباطی با قیامت دارد؟ سیدحیدر آملی در کتاب اسرار الشریعه، مباحث مربوط به مرگ اختیاری را ذیل مباحث مربوط به قیامت ذکر کرده است.

حیات دنیا سراسر فریبندگی و بیهودگی است و تمام حقیقت انسان را دربرنمیگیرد، ولی سرای آخرت، حقیقت زندگی است و معنای واقعی زندگی در آن

معنا می‌یابد و نه تنها تمام حقیقت انسان را دربرمیگیرد، بلکه دنیا را نیز شامل میشود. دنیا غیر از زندگی است، بهمین دلیل در دنیا، هم زندگی داریم و هم مرگ. انسان میتواند در لباس بدن و در حالتی که در حیات دنیا زنده است، آن پوشش را کنار گذاشته و با تجرد از بدن، به عالم قدسی برود و بدین ترتیب قیامت خود را بپا دارد. از نظر سیدحیدر قیامتی که در پی مرگ ارادی رخ میدهد، قیامت انفسی^۲ است که در زمان حیات طبیعی سالک و در باطن او اتفاق می‌افتد.

همانطور که گذشت سیدحیدر قیامت را به قیامت آفاقی و انفسی تقسیم میکند و هرکدام از آنها را دارای دو قسم صوری و معنوی میداند و هر یک از اقسام صوری و معنوی را به صغری، وسطی و کبری تقسیم مینماید و به این ترتیب، از دوازده قسم قیامت یاد میکند (همو، ۱۳۸۲: ۳۱۵). اگرچه او در کتاب جامع الاسرار فصلی مستقل را به مرگ اختیاری اختصاص نداده، ولی در میان مباحث، بویژه در مسائل مربوط به کشف و شهود و نیز در مسئله فنا و اقسام آن، واقعیت مرگ اختیاری را تحلیل کرده است.

بطورکلی دو قسم قیامت وجود دارد:

قیامت زمانی: این قیامت، قیامتی است که متکلمان مطرح میکنند و معتقدند بعد از مرگ اخترامی یا مرگ طبیعی صورت میپذیرد.

قیامت انفسی: همان قیامتی است که عرفا به آن معتقدند. بعقیده نویسندگان از آثار سیدحیدر آملی چنین استنباط میشود که معاد انفسی است. چون مرگ ارادی‌یی که او مطرح میکند، مرگ طبیعی نیست، بلکه پیش از مرگ طبیعی یا اخترامی صورت میگیرد.

بر اساس قیامت زمانی و قیامت انفسی یا بتعبیری قیامت آفاقی، میتوان گفت مرگ ارادی یا اختیاری با قیامت انفسی ارتباط دارد و مرگ طبیعی و اخترامی با قیامت آفاقی. قیامت انفسی در همین دنیا رخ میدهد. هر مرگی

دروازه ورود به قیامت است؛ مرگ طبیعی دروازه ورود به قیامت آفاقی است و مرگ ارادی دروازه ورود به قیامت انفسی.
رابطه گونه‌های مرگ ارادی با گونه‌های قیامت در جدول شماره ۳ (ص ۱۶۱ مقاله) نشان داده شده است.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. از نظر آملی چهار مرگ وجود دارد که هر کدام از آنها با یکی از انواع قیامت ارتباط دارد.
۲. قیامت انواع گوناگونی دارد که بیشینه آنها با مرگ ارادی در ارتباط است و آدمی باید به مرگ ارادی بمیرد تا بتواند قیامتهای گوناگون را شهود کند. البته این بدان معنا نیست که همه اقسام قیامت برای همه ظهور پیدا کند؛ ظرفیتهای وجودی آدمی در ظهور قیامتها و اینکه به کدام نوع مرگ ارادی دست یافته، متفاوت است.
۳. مرگی که آملی از آن سخن گفته است موجب امتداد انسان میشود که او را از انحصار زندگی این جهانی بیرون آورده و گسترده‌تر میکند و آفاق را به روی او میگشاید و به حیاتش، خودش و نگاهش، توسعه میبخشد. انسانی که بدنبال مرگ ارادی نیست و حیات این جهانی دارد، بتعبیری انسانی کوتاه‌قامت است.
۴. از دیدگاه آملی، حیات طیبیه و حیات حقیقی داخل مرگ است. همانگونه که خداوند در آیه ۶ سوره انشراح فرموده است، همراه با هر دشواری، آسانی نیز هست؛ نفرموده است که بعد از دشواری آسانی حاصل میشود، بلکه میفرماید همراه با آن است. در اینجا همراه عسر را میتوان مرگ دانست و همراه یسر را حیات. بنابراین، همراه این مرگ، حیات است.

جدول شماره ۱. انواع قیامت انفسی

حکام هستی‌شناختی ناظر به قیامت انفسی	طریقه عرفانی			قیامت انفسی معمولی			قیامت انفسی صوری			ردیف
	از طریق معرفت	از طریق معرفت	از طریق معرفت	از طریق معرفت	از طریق معرفت	از طریق معرفت	از طریق معرفت	از طریق معرفت	از طریق معرفت	
قیام پس از مرگ ارادی و اختیاری		✓							✓	۱
فناى در توحید فعلی		✓							✓	۲
حیات انسان با فضایل پس از مرگ او از رفاقت			✓						✓	۳
فناى در توحید صفاتی		✓							✓	۴
بقای در حق پس از فناى در او ← قرب نوافل									✓	۵
مشاهده بقای همه ذوات در ذات حق پس از فناى عرفانی در آن		✓							✓	۶
رهایی شخص از حجاب بدن و نشئه دنیوی با مرگ طبیعی و نه ارادی	✓								✓	۷
خارج شدن شخص از دنیا و توقف او در برزخ که قبر خوانده میشود؛ همانطور که خداوند متعال فرموده است: «و من ورائهم برزخ» (مؤمنون/ ۱۰۰)	✓								✓	۸
قیام شخص و حشر او در روز قیامت کبری که از آن به طامة الکبری یاد میشود.	✓								✓	۹



فاطمه کوکرم، عبدالله صلواتی، عین‌الله خادمی؛ تحلیل هستی‌شناختی انواع قیامت و رابطه مرگ با آنها ...

جدول شماره ۲. انواع قیامت آفاقی

ردیف	قیامت آفاقی معنوی			قیامت آفاقی صوری		طریقه عرفانی	
	صغری	وسطی	کبری	صغری	وسطی	طریقت همراه با شریعت	طریقت همراه با شریعت
۱	✓					✓	
۲		✓				✓	
۳			✓			✓	
۴				✓		✓	
۵					✓	✓	
۶					✓	✓	

جدول شماره ۳. رابطه گونه‌های مرگ ارادی با گونه‌های قیامت

مراحل	انقسام مرگ	تعریف مرگ	اهل طریقت	توضیحات
اول	مرگ سفید	مرگ سفید عبارتست از تحمل گرسنگی (املی)، ۱۳۸۲: ۳۲۶.	قیامت صغری معنوی اهل طریقت	بعثتیه املی تحمل گرسنگی باطن را نورانی و چهره قلب را سفید میکند (همانجا). در این مرحله، سالک با توبه واقعی از گناهان برهیز میکند و با زبر پا گذاشتن هوای نفس، به حیات معنوی روی می‌آورد که بدیناں آن مرگ ارادی رخ میدهد (همان: ۱۱۴). چون تحمل گرسنگی، باطن را تابناک میکند و قلب را روشن میسازد و موجب از بین رفتن بسیاری از خواهشها و هوسهای نفسانی و شهوانی است، این مرگ با قیامت صغری معنوی اهل طریقت ارتباط می‌یابد.
دوم	مرگ سیاه	مراد از این قسم از مرگ، به دوش کشیدن رنج و ملامت مردم است (همان: ۳۲۷).	قیامت وسطی معنوی اهل طریقت	از آنجایی که انسان خدا را دوست دارد، در چنین مرتبه‌ای در نفس خود از ادبیت مردم دلگیر نمیشود و نه تنها نفس او به درد نمی‌آید، بلکه از آن لذت نیز میبرد. چون آنها را از محبوب میبیند، آزار از خداوند میبیند، به این معنا که افعال را در فعل محبوب، فانی میبیند. همچنین، خود و دیگران را فانی در محبوب میبیند. در این زمان است که به وجود خدا حیات پیدا میکند و به اسماء و صفات الهی دست می‌یابد. در این مرحله، انسان از اخلاق زشت، مذموم و صفات ناشایست میسپرد و به اخلاق شایسته، کمالات، اسماء و صفات الهی که زندگی حقیقی در آن معنا می‌یابد، مریز می‌شود (همان: ۳۲۸).
سوم	مرگ سرخ	مخالفت با نفس (همان: ۳۳۶).	قیامت کبری معنوی اهل طریقت	این مرگ با گذشتن نفس همراه بوده و مرتبه مخالفت با نفس است (همان: ۳۳۷-۳۳۶). به این نوع مرگ، مرگ جامع نیز میگویند، زیرا مشتمل بر همه انواع مرگهاست (ابن عربی، ۱۹۹۴: ۱۴۶). در این مرحله که به قرب نوافل معروف است، نه تنها صفات سالک، بلکه وجود او نیز وجود الهی میشود و با اعضا و جوارح خدایی کارهای خود را انجام میدهد. این مرتبه، فانی شدن در حق و بقای به حق تعالی است. غایت سالک و هدف اعلاّی او، زندگی در راه حق تعالی و باقی ماندن در این راه است و این امر تنها با از میان بردن نفس و فانی آن و صرفنظر کردن از هواهای آن و همچنین، با مرگ ارادی و مرگ سرخ حاصل میشود. بنابراین، این مرگ با قیامت کبری اهل طریقت ارتباط می‌یابد. چون سالک با از میان بردن هواهای نفسانی و فانی در خداوند و بقای به او، بر نفس خود غلبه پیدا میکند.
چهارم	مرگ سبز	برهیز از تجملات و پوشیدن لباس کم ارزش (همانجا).	قیامت کبری معنوی اهل طریقت و حقیقت	دوری از تجملات، حیات سبز را برای انسان رقم میزند و بر مبنای آن قیامت انسان در همین دنیا ظهور پیدا میکند و لحاظ باطن، چه در این دنیا و چه در آخرت، از روشنی و زیبایی چهره برخوردار میگردد (املی، ۱۳۸۲: ۱۱۶). پارگشت همه عقول از حیث عروج به عقل اول که عرفانی است و عیانی نیست و با چشم دیده نمیشود، چون عیانی در قیامت صغری، آفاقی است و نه معنوی (همان: ۳۴۰).



فاطمه کوکرم، عبدالله صلواتی، عبدالله خادمی؛ تحلیل هستی‌شناختی انواع قیامت و رابطه مرگ با آنها ...

پی‌نوشتها

۱. نگارندگان در مقاله‌ی مستقل به تحلیل و تبیین هر یک از اقسام قیامت از دیدگاه سیدحیدر آملی پرداخته‌اند.
۲. قیامت انفسی گونه‌های مختلفی دارد که عبارتند از قیامت صغری صوری، قیامت وسطی صوری و قیامت کبری صوری. نگارندگان در مقاله‌ی مستقلی بتفصیل به آن پرداخته‌اند.

منابع

- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۰) شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، قم: بوستان کتاب.
- آملی، سیدحیدر (۱۳۶۸) جامع الأسرار و منبع الأنوار، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۲) انوارالحقیقة و اطوار الطریقة و اسرار الشریعة، تصحیح سیدمحسن موسوی تبریزی، قم: نور علی نور.
- _____ (۱۴۲۲ق) تفسیر المحيط الأعظم، تصحیح سیدمحسن موسوی تبریزی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن عربی، محی‌الدین (۱۹۹۴م) الفتوحات المکیة، تحقیق و تصحیح عثمان یحیی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قیصری، داود بن محمود (۱۳۶۳) شرح فصوص الحکم، قم: بیدار.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق) بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ملاصدرا (۱۳۸۲) الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، تصحیح و تحقیق سیدمصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.